



۲۰۱۶/۰۱/۰۷

ملیحه نایاب

## آیا شخصیت ظاهری و باطن انسان یکسان است..؟

بعضی ها به این باور هستند که مشکل ترین چیز در جهان انسان شناختن میباشد، زیرا شناخت از ظاهر نمیتواند شخصیت و نیت «باطن» انسان ها را واضح و آشکار سازد .. پیغمبر خدا چون خود از نسل بشر بود، از قیافه ظاهر و باطن امت درست آگاه نبود. خداوند تعالی اشاره به مرد «نابینا» به پیغمبر میفرماید: چون آنشخص طالب علم «دین» بود و میخواست تا بیشتر وقت را در کنارت سپری نماید که نباید از خود دورش میساختی، همچنان در جای دیگر اشاره به « ولید بن مغیره یعنی پدر خالد بن ولید» شده که در ظاهر مردی خوش قیافه و خوش لباس و مورد احترام دیگران قرار داشت و با پیغمبرص خود را نزدیک ساخته بود، خداوند تعالی به پیغمبر فرمود: تا از همچو اشخاص دور باشد و به ظاهرش نبیند زیرا که آنشخص از جمله منافقین بشمار میرفت که در ظاهر با مسلمانان بود و در باطن با مشرکین دوستی داشت.

در یک برنامه دینی « تلویزون خورشید» جناب مولوی صاحب فرمود: ظاهر انسان انعکاس دهنده باطن شخص میباشد... اگر چنین باشد که ظاهر و باطن انسان یکسان میبود مردم فریب ظاهر را نمیخوردند و صدای فساد اخلاقی «بچه بازی» از گوشه و کنج مسجد و کلیسا به گوشها نمیرسید، یعنی زشت ترین عمل و بیشتر هم در جوامع اسلامی بدون احساس ترس گناه و خوف از جزا رونق پیدا نمیکرد. پس ظاهر آراسته شخص عیوب باطن را پنهان ساخته نمیتواند، آیات که اشاره به پاکی نفس «باطن» شده، خداوند تعالی اولاً به مردان و بعد به زنان میفرماید: « تا چشمان خود را از نامحرمان دور داشته و به زنا نزدیک نشوید..» اگر مردم به آن دستور عمل میکردند، فساد و بد اخلاقی تا این اندازه در جامعه زیاد نمیشد، اما توجه به حجاب ظاهری گردید و به این باور هستند که پوشش ظاهری «حجاب زن» مردان را از گناه دور نگه میدارد...

در سال ۱۹۶۹ در کشور المان فلمی در رابطه به مسایل مختلف اجتماعی و تاثیرات آن بالای روابط فامیلی به نمایش گذاشته شده بود که چگونه بعضی اشخاص در اجتماع مورد احترام قرار میگیرند اما در قلوب شان شیطنت و فساد موج میزند. مرد مؤدب که ریس یک شرکت بود لحظه ای که در دفتر کارش فارغ میگردید از عقب شیشه پنجره زنان را که در جاده به رفت و آمد بودند نظاره می کرد تا آنکه زن «راهبه کلیسا» سراپا با حجاب مورد شکار چشمان ناپاکش قرار گرفت آنمرد فاسق چنان خودش را غرق در خیالات یافت که آن زن شریف با حجاب در نگاه اش کاملاً برهنه جلوه میکرد و تا زمانی ادامه پیدا کرد که از نظرش کاملاً ناپدید گردید، همچنان سکرتری دفترش که لباس «کرتی دامن» ساده و مناسب به تن داشت موقعی که از دفتر ریس بر میگشت با خیالات «برهنه» از چشمان خود دورش نمیداشت تا اینکه زنگ تلفون یا کدام مزاحمت دیگر ازین حالت بیرونش میساخت... این یک حقیقت است که انسانها گاه گاهی در شناخت یکدیگر اشتباه میکنند که این خود بی باوری را در میان مردم و اجتماع بوجود میآورد.

تقریباً ده سال قبل در یک کشور غربی زن و شوهر «عراقی» با آنکه از شرایط خوب زندگی برخوردار بودند و شوهر در یک کلینک شخصی به صفت داکتر و طیفه داشت و در ظاهر مردی مؤدب و قابل احترام بود...

روزی زنتش نزد امام مسجد مراجعه نموده و از شوهرش شکایت داشت که او را مجبور به پوشیدن حجاب اسلامی نموده است در حالیکه خود با بعضی از مریضان زن در کلینک رابطه نامشروع برقرار نموده است و از ملا مسجد خواست به شوهرش که در نماز های جمعه اشتراک مینماید نصیحت نموده تا رشته فامیلی و به خصوص زندگی اطفال شانرا با خطر مواجه نسازد.. ملا مسجد در اول به حرفش باور نکرد و ثبوت

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنېنت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښې پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

میخواست همچنان گفت که شوهرت مرد شریف بوده و همواره در صف اول نماز ایستاده میشود یعنی همه مردم «نمازگذاران» او را دوست دارند و بیشتر خود زن را نصیحت کرد تا از حرف شوهرش اطاعت کرده حجاب را مراعات نماید.. شوهرش در برابر این ادای زنش گفته بود که او یک زن حسود بوده و مشکل روانی دارد و خاطر جمع بود که به حرف های خانمش کسی باور نمیکند... زن به شوهر مهلت داد تا خود را اصلاح کند.. خانم از قدرت مالی خوبی برخوردار بود چون در رفتار شوهر تغییر بمیان نیامد از طریق پولیس و نصب کمره مخفی در اتاق معاینه خانه برای افشای هویت اصلی شوهرش ویدیوی را تهیه و آنرا از طریق یک برنامه اجتماعی تلویزون به نمایش گذاشت که گرداننده برنامه بعد از نشان دادن یک قسمت صحنه ردالت آن مرد از نشر بقیه آش معذرت خواست. این یگانه راه ثبوت زن بود که دیگران به او باور کنند و بعد نزد امام مسجد رفته از شوهرش تقاضای طلاق را نمود.. همچنان با امام مسجد در مورد حجاب گفت که شوهر فریبکار من میخواست زیر چتر حجاب زن شخصیت باطن خود را پنهان ساخته و خود را مرد متقی در اجتماع معرفی دارد، و علاوه نموده گفت:

خداوند تعالی برای اینکه زنان پیغمبر دخترانش و زنان مؤمنین « اصحاب و یاران پیغمبر» از شر مردان فاسق راحت باشند و مورد احترام قرار گیرند آیات چند نازل شد یعنی صرف مخصوص یک گروه خاص در آن زمان بود و نه برای زنان مسلمین . یعنی با حجاب ظاهر انسان خود را خوب جلوه داده نمیتواند تا از داخل «باطن» خود را خوب نساخته باشد مانند شخصیت های دو رنگ که در اجتماع امروزی تعداد شان هم کم نیست.

اپارتمان واقع مکروریان که با از دست دادن دو بسوه زمین واقع خیر خانه در بدل قسط ده فیصد به شهرسازی و خانه سازی واگذار و آنرا مالک شده بودیم قبل از هجرت به زن و شوهر (غلام احمد ادیب استاد پولی تخنیک و ثریا ادیب استاد کیمیا در فاکلته طب ) به ضمانت همسایه ما به کرایه داده تا اگر دو باره برگردیم احساس بی خانگی نکنیم، متأسفانه همینکه از کشور پاکستان به کشور دومی رسیدیم و به اصطلاح عرق پای ما خشک نشده بود، دریافتیم که اپارتمان را ثریا ادیب برای خود قبالة نموده است و اسناد طوری ترتیب شده بود، چنانکه شوهرم دگروال متقاعد بود، جگرن برحال معرفی داشته تا به اتهام ترک وظیفه و فرار از کشور اپارتمان را قبالة نماید، همچنان برادرش که وکیل ثریا میباشد با دادن رشوت به قاضی یعنی «کشیدن بعضی اسناد مهم» تا دوسیه از اجراءات محکمه «خاص» عقب زده و به یکی از محاکم عادی راجع ساخته شد که تا به امروز تقریباً ده سال میگذرد یعنی کار به جایی نرسیده است، زیرا مساله رشوت از یکطرف همچنان وکیل که من انتخاب نموده بودم « آقای قدیم هوشنگ» با آنکه ایشان نیز در سابق استاد فاکلته حقوق بوده، کتاب در مورد سیاست ایران پاکستان و افغانستان تحریر و جواز رسمی وکالت را با خود داشته بودند، متأسفانه چهره اصلی اش وقتی نمایان گشت که نتها پول از من بلکه از ده ها اشخاص دیگر را گرفته و از افغانستان فرار نمود. چگونه میشود بالای اشخاص باور کرد که در ظاهر طرف احترام و اعتماد اطرافیان خود قرار دارند اما باطن شان تاریک که ترس از خدا و روز آخرت هم در دل ندارند... حکومت قانون در کشور حکمفرما نیست تا محاکم بخاطر رضای خدا به کار های مردم رسیدگی کنند، نه بخاطر نفس « رشوت».. خانم ثریا غافل از آن بود که خود نیز روزی مهاجر میشود مگر نه مانند ما که هر سال افغانستان میرویم خانه به کرایه ویا هوتل میگیریم اما خودش در شهر لندن آرام زندگی میکند و ماهانه کرایه از اپارتمان دریافت میدارد . اگر حق روزی جایش را پیدا کند و از حقیقت چشم پوشی نشود، وکیل خانم ثریا «عبدالواسع برادرش» و بعضی اشخاص دیگر که در محکمه تصمیم نادرست اتخاذ نموده بودند و همچنان وزارت شهر سازی و خانه سازی مانند « شیر آغا » ریس و دیگر اعضای کمیسیون برسی روزی در برابر قانون و عدالت خواهی جوابگو خواهند بود، چون بعضی از اسناد ها با زحمات زیاد دو باره بدست ما آمد.

د پانوی شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ